

## An investigation into the legitimacy of xenotransplantation

Farhadian. Abdolreza<sup>1</sup>

<sup>1</sup>:Assistant Professor, Department of Law, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran  
([a.farhaian@iaukashan.ac.ir](mailto:a.farhaian@iaukashan.ac.ir))

**Abstract:** Xenotransplantation, or implantation of animal organs into human bodies, is one of the recent significant advances in medical sciences. This study uses a descriptive-analytical design to examine the legitimacy of this phenomenon in light of Fiqh and Iranian legal system. The results indicate that adopting a traditional approach may prevent decreeing a permission for this phenomenon. However, taking an intentional approach to Fiqh enables going beyond traditional approaches and consequently decree a permission. The legitimacy of the xenotransplantation phenomenon can be justified in light of important principles such as the principle of correctness, the no-harm rule, and the principle of self-preservation and healing. There is no evidence in Fiqh forbidding xenotransplantation; thus, everyone is supposed to save themselves from harm and attempt to cure possible diseases. Defects in any organs of the human body could be considered as a clear example of a disease, thus justifying the process of xenotransplantation for curing a disease.

**Keywords:** Medical law, Xenotransplantation, Intentional Fiqh.

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۳ - زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۹۵-۲۱۲ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۶/۱۳ - پذیرش ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

## جستاری در مشروعیت پیوند عضو حیوان به انسان

عبدالرضا فرهادیان<sup>۱</sup>

[a.farhaian@iaukashan.ac.ir](mailto:a.farhaian@iaukashan.ac.ir)

۱: استادیار گروه حقوق، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

**چکیده:** موضوع پیوند اعضای حیوان به انسان، یکی از پیشرفت های شگرف در حوزه علوم پزشکی در سال های اخیر است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی مشروعیت این پدیده در پرتو فقه و نظام حقوقی ایران و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که چنان چه با رویکرد سنتی، یا به تعبیری رویکرد «عنوان محوری»، به پدیده پیوند عضو حیوان به انسان بنگریم برخی عوامل، مانع از صدور حکم به جواز پدیده مذکور خواهد شد؛ اما با اتخاذ رویکرد فقه مقاصدی می توان از چهارچوب ها و قالب عناوین سنتی عبور کرده و به جواز پیوند عضو حیوان به انسان حکم کرد. جواز مشروعیت پدیده پیوند عضو حیوان به انسان، در سایه اصول مهمی همچون اصل صحت، قاعده لاضرر و اصل وجوب حفظ نفس و درمان، قابل توجیه است. در فقه، نصی مبنی بر ممنوعیت پیوند عضو حیوان به انسان به چشم نمی خورد؛ از اینرو هر کسی مکلف است از ورود ضرر به خود جلوگیری نموده و در جهت درمان نارسایی ها و بیماری های خود بکوشد. نقص در هر یک از اعضای بدن انسان نیز مصداق بارزی از بیماری، و پدیده پیوند عضو نیز مصداق بارزی از فرآیند درمان محسوب می شود.

**کلیدواژه:** حقوق پزشکی، پیوند عضو حیوان، فقه مقاصدی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

با گذشت زمان و ورود متغیرهای مختلف به زندگی انسان ها، بر پیچیدگی روابط میان تابعان حقوق افزوده شد. پیچیدگی روابط موجب شد که اصول و قواعد عمومی حقوقی، ظرفیت پاسخگویی به نیازهای موجود در جامعه را نداشته باشد؛ در نتیجه، این روند موجب شد که هنجارها و مقررات به سمت «تخصّصی شدن» حرکت کنند. یکی از متغیرهای مهمّ در این زمینه، پیشرفت های علم و تکنولوژی می باشد. پیشرفت های مزبور، جنبه های مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده اند. یکی از این جنبه ها حوزه پزشکی است. پیشرفت های حوزه پزشکی در این میان به واسطه دستاوردهای شگرف و به چالش کشیدن ساختارهای سنتی پزشکی، بیشتر از سایر حوزه ها، اصول و قواعد سنتی حقوقی را به چالش کشیده اند.

مسئله پیوند عضو، یکی از مصادیق مهمّ در این زمینه است. گذشته از اختلاف نظرهایی که در خصوص پیوند عضو انسان به انسان دیگر یا به خود انسان وجود دارد نظیر پیوند عضو کسی که پس از اجرای حدّ الهی از قبیل سرقت، عضو خود را از دست داده باشد (مسجدسرائی و نظری، ۱۳۹۸: ۳۵۵ به بعد) در سال های اخیر مسئله امکان پیوند عضو حیوان به انسان و درمان بسیاری از نقص عضوها و از کارافتادگی اعضای بدن انسان، در سطح علمی و عملی مطرح شده است. از طرفی باید دقت داشت که موضوعات جدید و طرّاحی احکام حقوقی برای آنها، مستلزم بررسی موضوعات مزبور، در چهارچوب مبانی فقهی می باشد. در نتیجه، پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که اساساً پیوند عضو حیوان به انسان از نظر فقهی و مبانی نظام حقوق ایران چه وضعیتی دارد؟

فرضیه ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می شود آن است که با در نظر گرفتن ضرورت های پزشکی و توجه به قواعدی مانند لاضرر، می توان مشروعیت پیوند عضو حیوان به انسان را در چهارچوب مبانی فقهی و نظام حقوقی ایران احراز نمود.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید دقت داشت که در موضوعاتی که خلأ مقرراتی وجود دارد یکی از چالشی ترین مسائل، «حکومت قانون» و عناصر آن می باشد. هدف از استقرار مفهوم «حکومت قانون» و عناصر آن، ایجاد شفافیت و قابلیت پیشینی در نظام حقوقی می باشد. بررسی مشروعیت مسأله پیوند عضو حیوان به انسان، در پرتو مبانی فقهی و حقوقی، کمک شایانی به طراحی و تصویب قوانین مورد نیاز و رفع خلأهای هنجارهای موجود (اعم از سکوت، اجمال، تعارض و تراحم) می نماید.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می توانیم به مقاله مرادی و همکاران تحت عنوان «بررسی پیوند اعضای حیوان نجس العین و مردار به انسان از نظر فقه امامیه» اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، مسأله پیوند اعضاء، به لحاظ اهمیت فوق العاده ای که در مسائل فردی و اجتماعی دارد، مورد توجه قانونگذاران کشورها قرار گرفته و اکثر کشورهای پیشرفته برای پیوند اعضاء قانون دارند و در کشور ایران هم آئین نامه ای در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۲۵ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید؛ از آنجایی که اهدا کنندگان انسانی بسیار کم تر از متقاضیان عضو پیوندی هستند و بسیاری از متقاضیان هرگز به آرزویشان نمی رسند و خطر مرگ متوجه آنان است و متحمل رنج در زندگی هستند، بنابراین پزشکان برای تأمین عضو پیوندی به فکر استفاده از مصنوعات و منابع نامحدود حیوانی افتاده اند. برخی از حیواناتی که برای پیوند به انسان سازگار هستند به لحاظ فقهی، نجس العین و مردار هستند و باید حکم فقهی پیوند آنها معلوم گردد. هدف این مقاله کاوش و بررسی مبانی فقهی مسأله در جهت روشن شدن حکم آن است (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۸۷).

همچنین می توانیم به مقاله جامی و خوفی تحت عنوان «بررسی قابلیت مطالبه دیه عضو پیوندی از حیوان به انسان» اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، دیه صدمه و خسارت به عضو پیوندی گیرنده بعد از پیوند، یکی از مسائلی است که در حقوق پزشکی معاصر وارد قانونگذاری کشور شده است. ماده ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ در صورت ایجاد صدمه و آسیب موجب دیه، با اشتراط دارای حیات گشتن عضو

پیوندی بعد از پیوند، دیه آن عضو را به میزان دیه عضو اصلی و در صورت معیوب گشتن بعد از حلول حیات، همانند دیه عضو معیوب دانسته است. منظور از شرط دارای حیات گشتن در این ماده، «پذیرش عضو پیوندی توسط بدن بیمار گیرنده عضو در یک زمان متناسب عرفی» است و ملاک تشخیص آن را عرف خاص پزشکی در پیوند اعضا، باید قرار داد. حکم این ماده، شامل موارد پیوند از حیوان نیز که عضوی از حیوان به بدن گیرنده پیوند گردد، مشروط به دارای حیات گشتن جاری است؛ چه این که عضو حیوانی بعد از پیوند، استحاله یافته و به عضو انسانی تبدیل می‌گردد. در صورت تردید در دارای حیات گشتن عضو پیوندی بعد از پیوند یا عدم حیات آن، ظاهر این است که عضو پیوندی با توجه به عرف غالب پیوندهای عضو و پیشرفت های سریع علم پزشکی در این حوزه، دارای حیات گردیده است و چنین ظاهری را باید مقدم بر اصل عدم حیات دانست (الوانی جامی و خوافی، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۳۱).

شروع پیوند بافت ها و ارگان های انسان ها به یکدیگر، ایستگاه جدیدی در علم پزشکی بود که باعث شد راه درازی در درمان بیماری های مختلف پیموده شود. در ابتدای طرح این مسأله مانند بسیاری از پیشرفت های دیگر علم پزشکی، اختلافات و بحران های اخلاقی مذهبی و اجتماعی به وجود آمد، اما ارزش و اهمیت علم پزشکی و نجات جان یک انسان همیشه جلوتر از هر چیز دیگری حرکت می کند. علم پیوند باعث شد انسانی که قلب سالمی ندارد بتواند با دریافت قلب یک انسان دیگر به زندگی خود ادامه دهد و این رؤیایی بود که به حقیقت پیوست. نخستین عمل موفق پیوند، پیوند قرنیه بود که در سال ۱۹۰۵ توسط ادوارد زیروم در جمهوری چک انجام شد. نخستین عمل پیوند موفق در ایران نیز پیوند قرنیه بود که توسط دکتر شمس، جراح چشم و پایه گذار چشم پزشکی مدرن در سال ۱۳۱۴ انجام شد. هر چند که بحث ها پیرامون پیوند اعضای حیوان به انسان نیز قدمت زیادی داشت - چرا که نسبت به پیوند انسانی، کم هزینه تر و کم ریسک تر بود - اما کمبود ارگان انسانی و تقاضای بسیار در روند درمان بیماری ها باعث شد اهمیت پیشرفت و امکانات در این مسأله پررنگ تر شود. با پیشرفت علمی و

امکان انتقال عضو از حیوان به انسان می توان تعداد بیشتری بافت و ارگان در دسترسی داشت و به بیماران مختلفی نظیر هموفیلی، پارکینسون و آلزایمر کمک نمود؛ اما این مسأله چالش های اخلاقی، فقهی، حقوقی و اجتماعی و ریسک های پزشکی را با خود به همراه داشته و به تبع آن مخالفان و موافقانی دارد (وکیلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۱).

### ۱- تعریف فرآیند پیوند

پیوند عضو از حیوان به انسان یا Xenotransplantation، کلمه ای یونانی دقیقاً به همین معنی دارد و از دو بخش بیگانه و انتقال تشکیل شده؛ یعنی روندی که طی آن عضو یا سلول زنده یک گونه به گونه دیگری انتقال داده می شود (وکیلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۳). پیوند در لغت به معنای روئیدن گیاه است و عضو به معنی جزء است. عضو، جزئی از بدن است که وظیفه مستقلی دارد. پیوند عضو، مختصّ اعضای جامد بدن است (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۶۸) که در اصطلاح برداشتن عضوی معیوب از بدن و جایگزین کردن آن با عضوی دیگر، عضوی مصنوعی یا همانند سازی شده (میرهاشمی، ۱۳۸۵: ۹۲) و یا انتقال سلول بافت زنده با حفظ عملکرد به فرد دیگر است (لاریجانی، ۱۳۸۲: ۷۶).

از دلایل توجیه کننده چرایی انتقال عضو از حیوان به انسان می توان به محدودیت اعضای انسانی و تقاضای زیاد برای پیوند از اعضای انسانی و در مقابل، نامحدودی اعضای حیوانی و امکان دستکاری و آزمایشات ژنتیکی برای ساخت سلول های مورد نیاز و جلوگیری از قاچاق اعضاء و استفاده های نادرست مالی و دیگر جرایم مربوط و برخی از موانع پزشکی موجود: عدم سازگاری نسوج پیوندی، احتمال انتقال میکروارگانیزم ها و بیماری و فراگیری ویروس های انتقالی در جامعه است. از راه حلّ هایی که برای مشکلات اندیشیده شده است ساخت داروی سلیکوسپورین برای جلوگیری از ردّ عضو و پیشرفت مهندسی ژنتیک خوک ها برای ساختن عضوهای مختلف مثل قلب و کلیه است که در آن ژنوم انسانی وارد ژن خوک می شود. پس از

تزریق سلول های بنیادی انسان به جنین خوک، موجودی هیبریدی از ترکیب حیوان و انسان به نام شیمر به وجود می آید؛ با تزریق سلول های بنیادی، این سلول ها به ساختن عضوی خاص مشغول می شوند. آزمایش ها و تحقیقات برای پیشرفت این علم و دستیابی به تکنولوژی کامل آن ادامه دارد (حاتمی، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۵).

## ۲- تاریخچه پیوند

در سال ۱۶۲۸ برای اولین بار پیوند خون از حیوان به انسان انجام شد و ۵۴ سال بعد، یعنی در سال ۱۶۸۰ قدم بلندتری برداشته شده و از استخوان جمجمه سگ برای ترمیم آسیب دیدگی جمجمه انسان استفاده شد (و کیلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۱). در اواخر قرن نوزده نیز تلاشهایی صورت گرفت؛ از جمله تلاش برای پیوند کره چشم از خرگوش، مجاری ادراری از گوسفند و فلاپ های پوستی از حیواناتی مثل بز (purdy, 2000: 25-247).

الکسیس کارل و همکارش گاتری در زمینه پیوند عروق و ایجاد تکنیک هایی برای جلوگیری از ترومبوز در عروق پیوندی تلاشها و تحقیقات بسیاری انجام دادند (سمدانی، ۲۰۱۰). اولین پیوند عروقی که کارل انجام داد در سال ۱۹۰۲ بود. در سال های بعد در زمینه پیوند کلیه، تلاش های زیادی انجام شد. در سال ۱۹۰۵ کلیه خرگوش به کودکی پیوند زده شد و گرچه نتایج اولیه خرسند کننده بود اما کودک بعد از ۱۶ روز در گذشت. یک سال بعد، از بز و خوک به عنوان دهنده استفاده شد اما ۳۲ ساعت بعد به علت استفاده از پریمات ها به عنوان دهنده، ترومبوز سیاهرگی باعث مرگ گیرنده کلیه شد. در سال ۱۹۲۳ اولین پیوند عضو کامل انجام شد که آن هم کلیه بود، اما متأسفانه فرد گیرنده کلیه گوسفند تنها نه روز زنده ماند. زمانی که اولین پیوند موفقیت آمیز آلوگرافت کلیه یعنی از انسان به انسان در سال ۱۹۵۴ برای یک زوج دو قلو انجام شد (عباسی، ۱۳۸۳: ۲۵) تلاش ها برای یافتن راهی برای پیوند کلیه حیوان به انسان ادامه داشت. در سال ۱۹۵۹ کلیه یک شامپانزه به بیماری پیوند زده شد. بیمار ۶۳ روز بعد به علت نومونیا در گذشت، اما این یکی از طولانی ترین زمان هایی بود که فردی پس از پیوند حیوانی زنده مانده بود. پس از این در دهه شصت، تلاش های زیادی برای پیوند

کلیه شامپانزه و بابون به انسان انجام گرفت. گرچه اکثر آنها در هفته ها و روزهای اول جان خود را ازدست دادند اما تعدادی از آنها نه ماه پس از پیوند زندگی کردند (وکیلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۲). در تلاش هایی که برای پیوند کبد از پریمات به انسان انجام شد یکی از گیرنده ها ۷۰ روز پس از پیوند زنده ماند (cooper, 2008: 1-100).

در سال ۱۹۸۴ عمل پیوند قلب بابون به یک نوزاد تازه متولد شده انجام شد، اما نوزاد پس از ۲۰ روز درگذشت. با ساخت داروهای سرکوب کننده سیستم ایمنی، عمل پیوند وارد مرحله جدیدی شد اما عمل های پیوند قلب و کلیه انجام شده حتی با استفاده از این دارو نیز حداکثر تا سه ماه مرگ بیمار را به تأخیر انداختند. در سال ۱۹۹۵ پیوند مغز استخوان از میمون به انسان انجام شد، گرچه پیوند پس زده شد و موفقیت آمیز نبود اما باعث مرگ بیمار نشد؛ سال بعد از آن سلول های خوک به بیماری که دیابت داشت منتقل شد؛ این عمل موفقیت آمیز بود و این سلول ها تا ده سال انسولین ترشح می کردند. پنج سال بعد در سال ۲۰۰۰ سلول های پانکراس خوک به ده بیمار دیابتی انتقال داده شد اما این عمل موفقیت آمیز نبود (lee, 2001: 1497-1504).

البته لازم به ذکر است که هیچ کدام از بیماران دچار عارضه ای از این انتقال نشدند. در سالی که همین پیوند انجام گرفت به علت تقاضای بالای فرآورده های خونی، مسأله پیوند از حیوانات دوباره بر سر زبان ها افتاد و خوک بهترین دهنده اعلام شد. دلیل این که خوک ها جایگزین پریمات ها شدند قابلیت تکثیر سریع تر خوک ها در محیطی بدون پاتوژن و با هزینه نگهداری بسیار کمتر، شباهت بیشتر اعضای خوک از لحاظ عملکرد و ساختمان به انسان و ایجاد مسائل اخلاقی کمتر بود (lee, 2001: 1497-1504).

در حال حاضر، تلاش در این زمینه ادامه دارد و محققان و پزشکان سعی کرده اند از مردمک خرگوش، مجاری ادراری گوسفند و قلب خوک، پیوند انجام بدهند و فرضیه ای که راز موفقیت عمل پیوند را خارج کردن یک ژن به خصوص و گالاکتوزیل ترانسفر از خوک می دانند، در حال تحقیق و بررسی است (وکیلی نژاد،



۱۳۸۷: ۳۳). موانعی که در این پیوند ها برای پیوند از حیوان به انسان شناخته شد، به طور کلی فرآیند ه ای ایمونولوژیکی است که بدن بافت پیوندی را پس می زند و انتقال عفونت و ناسازگاریه ای متابولیک و مولکولی است (ضغیمی، ۱۳۹۱: ۶۸).

### ۳. مبانی فقهی جواز پیوند عضو حیوان به انسان

در قرآن شریف، خداوند متعال ذیل آیه ۳۲ سوره مائده می فرماید: «من أحيها فكأنما أحيى الناس جميعاً؛ هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است» (مائده: ۳۲)؛ بنابراین به طور کلی، نجات جان انسان ها بسیار مهم است (حاتمی، ۱۳۹۶: ۶۵). این آیه اهمیت فرآیند درمان را نشان می دهد. در ادامه به بررسی فرآیند پیوند از منظر مبانی فقهی می پردازیم.

#### ۱-۳- اصل اباحه

خداوند در آیه ۲۹ سوره بقره، تمام آن چه که روی زمین است را آفریده خدا برای انسان ها معرفی می کند؛ بنابراین هر چیزی که با ادله، حرام تبیین نشده باشد حلال است و قبل از ورود شرع به اشیاء و اعمال، اصل بر مباح بودن آنهاست؛ چراکه حکمی برای حرام بودنشان نیست و دلیلی برای ضرری مادی و دنیایی نیز در آن وجود ندارد. هر گاه در حلال یا حرام بودن چیزی شک کردیم، اصل بر آن است که حلال است. پیوند از حیوانات نیز حرام شناخته نشده است و برای نجات جان انسان ها و رفع بیماری و مشکل آنان بسیار مؤثر است؛ بنابراین طبق اصل اباحه، انجام این عمل مجاز است (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۷۳).

#### ۲-۳- قاعده اضطرار

خداوند در آیه ۱۱۵ سوره نحل می فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام کرده است؛ اما کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد (خدا او را می بخشد چراکه) خدا آمرزنده و مهربان است.»

انسان می تواند در شرایط اضطرار با رعایت این که از حد تجاوز نکند و زیاده خواهی نشود و فقط در حدودی که اضطرار رفع شود از آن چه که حرام است تغذیه کند و آنها را می شمارد: مردار و گوشت و خون خوک و حیوانی که هنگام ذبحش نامی غیر خدا به زبان آمده باشد.

در آیه سه سوره مائده نیز به همین موضوع اشاره کرده و می فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصِهِ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در صورت اضطرار به دلیل گرسنگی و این که میلی به دست به گناه زدن نداشته باشد، خداوند او را می بخشد؛ و در آیه ۱۱۹ سوره انعام نیز بار دیگر به اضطرار در خوردن حرام اشاره کرده و آن را در شرایط اضطرار، مجاز می داند. مفسران قرآن، شرایط اضطرار مطرح شده را جایی می دانند که بیم هلاک نفس و مرگ وجود داشته باشد: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُررْتُمْ إِلَيْهِ». امام صادق (ع) در روایتی فرموده است: «مَنْ اضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ كَافِرٌ: کسی که از خوردن مردار و خون و گوشت خوک در مواقع اضطرار امتناع بورزد و جان خود را به این دلیل از دست بدهد، پس چنین کسی کافر است (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۴۵). مطابق حدیث رفع، از پیامبر اکرم نقل شده است که: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَأُ وَ النَّسْيَانُ وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا لَا يَطِيقُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفَهَةٍ» [مسئولیت] نه چیز، از امت من برداشته شده است: خطا، فراموشی، آن چه بدان مجبور شوند، آن چه نمی دانند، آن چه از توانشان بیرون است، آن چه بدان ناچار شوند، حسادت، فال بد زدن، و تفکر و وسوسه آمیز در آفرینش، تا زمانی که به زبان آورده نشود (صدوق: ۱۳۶۲: ۴۱۷/۲) حدیث ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۳/۵، حدیث ۱۴). بدین ترتیب، در روایات نیز حفظ جان، واجب شرعی بیان می شود و در مواقعی که شخص در حال اضطرار است تکلیف از روی دوش او برداشته شده و امر حرام، حلال شناخته می شود.

از سوی دیگر، پیوند عضو، عملی است که برای حفظ جان و برطرف کردن بیماری انجام می‌شود و حفظ جان و دفع زیان از نفس به حکم عقل نیز واجب است (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۶۷). در پیوند عضو برخی از حیوانات به انسان، از آنجا که استفاده از بافت و اعضای حیوانی، دارای منافع بیشتری بوده و جان انسان‌های بیشتری را می‌توان با آن نجات داد بنابراین راه مذکور، راهی است که عقل نیز آن را تأیید می‌کند.

طبق آن چه که در بالا بیان شد، از حکم عقل، روایات و آیات قرآنی جواز انجام پیوند اعضا از حیوان به انسان استنباط می‌شود. آن چه در ذیل بیان می‌شود، قواعدی است که زمانی که حرمت چیزی ثابت شده، استفاده می‌شود، اما با این قواعد نیز می‌توان حداقل به عنوان مؤید به جواز این پیوند رسید.

### ۳-۳- قاعده لاضرر

آیه ۲۳۳ سوره بقره، مادران و پدران را از زیان زدن به فرزند خود برحذر می‌دارد و مادران را از ترک شیر دادن به نوزادان در صورتی که آنها ضرر ببینند، نهی می‌کند. در روایتی زراره از پیامبر نقل کرده است که در آن شخصی در باغ ثمره بن جندب، تک درختی داشت که استفاده از آن تک درخت، باعث آزار و اذیت صاحب باغ شده بود. صاحب باغ نزد رسول اکرم (ص) رفت و از او راهنمایی خواست؛ و پس از آن که از دستور حضرت استنکاف ورزید پیامبر فرمود آن درخت را از جایش بکنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۲/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۳۳/۳)، زیرا حتی در راه استفاده از مال و حق خودمان نباید به دیگران ضرر برسانیم. بنابراین آن چه که در رابطه با رعایت حقوق دیگران در استفاده از اموالشان گفته شده است تا آنجا جایز است که کسی متحمل ضرر نشود. هم آیه، هم حدیث هر دو به رفتاری اشاره می‌کنند که باید در مقابل ورود ضرر داشت. انجام ندادن پیوند اعضا موجب ورود ضرر به جان و جسم بیمار می‌شود؛ بنابراین طبق آیه ۲۳۳ سوره بقره و به دلیل وحدت ملاک، عدم انجام پیوند از حیوان به انسان نیز نهی و جواز این کار مشخص می‌شود (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۶۹-۱۶۸).

### ۳-۴- قاعده لاجرح

هر فرد ملزم به انجام دادن احکام و الزامات شرعی است که بر گردن او قرار داده شده است، اما خداوند در قرآن کریم می فرماید که اگر عمل به این احکام، موجب عسر و حرج مکلف باشد، نیازی نیست آن را انجام بدهد. خداوند در آیه شش سوره مائده از نحوه طهارت برای برپایی نماز صحبت می کند، از آب نام می برد اما در صورت نبودن آب، استفاده از خاک را نیز بلامانع می داند؛ خداوند در این آیه به طور مستقیم به حرج اشاره کرده و می فرماید که فقط می خواهد شما پاک باشید و نماز را برپا دارید و به دنبال اذیت شما و در حرج قرار گرفتنان نیست: (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ). آیه ۷۷ و ۷۸ سوره حج نیز به شرایط حرج اشاره می کند، در حالی که مؤمنان را به برپایی نماز و ستایش خداوند دعوت و به جهاد تشویق کرده و اشاره می کند که خداوند بر شما هیچ حرجی قرار نداده است: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَهُ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ». این قرار ندادن حرج و عسر، مطابق تفسیر علما، در رابطه با تمامی احکام اسلام است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳: ۵۰۵).

رسول خدا نیز در حدیثی خود را مبعوث دینی معرفی می کند که حنیف است و آسان، و سخت نمی گیرد: «اِنِّي بُعْتُ عَلَى الشَّرِيْعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۹۴).

در روایت موثقه ابی بصیر آمده است: «قال، قلت لأبي عبد الله عليه السلام أنا ناسافر فرّبما بلينا بالغدير من المطر يكون الى جانب القرية فيكون فيه العذرة و يبول فيه الصبي و تبول فيه الدابة و تروث. فقال عليه السلام: ان عرض في قلبك منه شيء فقل: هكذا، يعني امزج الماء ببدك ثم توضأ فان الدين ليس بمضيق؛ لأن الله عز وجل يقول: ما جعل عليكم في الدين من حرج: ابوبصير از امام صادق(ع) می پرسد در سفرها چه بسا به برکه هایی بر می خوریم که در کنار آبادی است و انواع نجاسات در آن یافت می شود. حضرت

می فرماید آب را با دستت به هم بزنی و سپس وضو بگیری؛ زیرا در دین، مضیقه و تنگنا نیست و خداوند می فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۶۳/۱).

با توجه به مطالبی که در رابطه با عسر و حرج گفته شد، قرار گرفتن در شرایط نیاز به پیوند از حیوان، از شرایطی است که فرد را در عسر و حرج قرار می دهد. دین اسلام دینی نیست که سختگیری داشته باشد و فرد را در حرج قرار دهد؛ بنابراین پیوند از حیوان حرام گوشت و نجس العین حتّی با فرض حرام بودن این کار برای بیمار بلامانع است و نجات او از شرایطی که در تنگنا قرار گرفته، لازم است؛ بنابراین انجام این عمل طبق قاعده لاحرج نیز جایز است (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

با توجه به اهمیت این مسأله در دنیای امروز، برخی مراجع نیز متعرّض این موضوع شده اند که ذیلاً به چند مورد اشاره می شود:

- آیه الله مکارم شیرازی در جواب این سؤال که آیا می توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد، گفته اند: در موارد ضرورت مانعی ندارد. و در پاسخ سؤالی که از پاکی یا نجسی چشم پیوند زده شده از حیوان نجس العین مرده یا زنده پرسیده شده است، پاسخ می دهند: زمانی که پیوند انجام شد و آن عضو عملاً بخشی از بدن گیرنده شد، پاک محسوب می شود.

- آیه الله سیستانی در توضیح المسائل خود می گویند: پیوند اعضای بدن حیوان نجس العین نظیر سگ به بدن فرد مسلمان بلاشکال است و به دلیل این که پس از پیوند جزئی از بدن او محسوب می شود و حیات در آن جریان پیدا کرده است، احکام بدن مسلمان بر آن جاری می شود. همچنین تزریق انسولینی را که از پانکراس خوک گرفته شده بدون مانع می دانند.

- آیه الله خامنه ای به سؤال جواز یا عدم جواز پیوند از حیوان حلال گوشت یا حرام گوشت یا نجس العین پاسخ می دهند: مانعی وجود ندارد، اما اگر چیزی نباشد که دارای حیات است و با پیوند زدن به بدن انسان حیات پیدا کند و به این ترتیب جزئی از بدن

انسان شمرده شود، نمی توان با آن نماز خواند و همچنین فرموده اند در این حکم تفاوتی میان حیوانات نیست. امام خمینی (ره) و آیه الله وحید خراسانی نیز صراحتاً جایز بودن پیوند از حیوان نجس العین به انسان را اعلام می کنند (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

در قامت جمع بندی استفتائات باید عنایت داشت که استفاده از گوشت حیوانات حلال گوشت به طور کلی تأیید شده و جایز است؛ بنابراین پیوند از آنان نیز حرام به نظر نمی رسد. مسأله اصلی، حیوانات حرام گوشت و نجس العین هستند و هر جا هم از جواز یا عدم جواز این عمل مثلاً در کلام فقها صحبت می شود به حیوان حرام گوشت اشاره مستقیم می شود. با قیاس اولویّت و به طریق اولی، وقتی اجازه حیوان حرام گوشت صادر می شود، استفاده از حیوان حلال گوشت قطعاً جایز است هر چند که با توجه به تمامی ادله مطرح شده، می توان جواز استفاده از حیوانات حلال گوشت را نیز صادر نمود.

#### ۴. مبانی حقوقی جواز پیوند عضو حیوان به انسان

در سال ۱۳۸۱ آئین نامه پیوند اعضاء در ایران تصویب شد، اما هیچ مقررّه ای در رابطه با پیوند از حیوانات در آن وجود ندارد و به طور کلی در مجموعه قوانین مختلف جمهوری اسلامی ایران هیچگونه نصّی در رابطه با این نوع پیوند وجود ندارد. اما در موارد سکوت قانونگذار باید چه امری را مبنای اقدام قرار داد؟ در ارتباط با این وضعیّت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذیل اصل ۱۶۷ حکمی بیان شده است. مطابق با مفاد اصل مزبور، قضات در مقام رسیدگی و حلّ اختلافات نمی توانند به بهانه سکوت، اجمال، تعارض و تراحم مقررات قانونی، از رسیدگی به موضوع استنکاف کنند؛ بلکه اصل مزبور، قاضی را موظّف می داند در شرایطی که حکم مسأله ای مشخص نیست به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مراجعه کرده و حکم قضیه را صادر کند. با توجه به این که در ارتباط با مشروعیّت پیوند عضو حیوان به انسان، قانونگذار ایران موضع سکوت را اتخاذ نموده است، باید با مراجعه به آراء و نظرات معتبر فقهی، وضعیّت جواز یا عدم جواز امر مشخص گردد. با توجه به این که از منظر مبانی فقهی و نیز آراء و

استفتائات فقهی معتبر، جواز پیوند عضو حیوان به انسان صادر شده است، به نظر می‌رسد که از منظر حقوقی نیز باتوجه به فقدان حکم صریحی مبنی بر منع موضوع در مقررات موجود، از منظر حقوقی می‌توان قائل به جواز پیوند عضو حیوان به انسان باشیم.

### ۵- جواز پیوند عضو حیوان به انسان از منظر حقوق حیوانات

بیانیه حقوق حیوانات مصوب ۱۹۸۷ در پاریس و با حمایت سازمان یونسکو به تصویب رسید. این بیانیه از حق حیات یکسان همه حیوانات و منع خشونت و سوء استفاده از آنها حرف می‌زند (عباسی، ۱۳۸۳: ۲۵). رعایت حقوق حیوانات یکی از چالش‌های اساسی پیوند اعضاء از حیوان به انسان است. این که بشر برای رسیدن به خواسته‌های خود هر رفتاری را با حیوانات انجام دهد مسلماً قابل قبول نیست. در اوایل شروع این نوع پیوندها از گونه‌های پریمات استفاده می‌شد که کشمکش‌های حقوقی زیادی ایجاد کرده بود؛ سپس وقتی که خوک‌ها جایگزین پریمات‌ها شدند از شدت اعتراضات کاسته شد (ضغیمی، ۱۳۹۱: ۷۴). نخست به این خاطر که پریمات‌ها به انسان‌ها شباهت داشتند، و دوم این که در حالت عادی نیز مصرف خوراکی خوک در جهان مقدار قابل توجهی است (وکیلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۷) اما به هر حال، اخلاق باید بر تمامی روند این جریان نظاره گر باشد. اهمیت این موضوع باعث شد انجمن بین‌المللی اخلاق پیوند اعضاء از حیوانات به انسان تأسیس شود که بر اینگونه آزمایشات نظارت و کنترل داشته و برای آنها چهارچوب اخلاقی تعیین کند. مع الوصف، از منظر حقوق حیوانات، با در نظر گرفتن استانداردها و پروتکل‌های اخلاق زیستی، منعی برای پیوند عضو از حیوان به انسان وجود ندارد.

### نتیجه گیری

در ارتباط با پیوند عضو حیوان به انسان، باید عنایت داشت که در چهارچوب عناوین سنتی، محدودیت‌هایی وجود دارد. مسأله نجس بودن ذاتی برخی از حیوانات، مانند خوک و یا تفاوت بنیادین عضو انسانی و عضو حیوانی از حیث عناوین حقوقی و حتی ساختارهای بیولوژیکی، در این میان یک چالش مهم محسوب می‌شود. اما با اتخاذ یک

رویکرد مقاصدی و با توجه به نیازها و ضرورت های موجود در عصر حاضر، می توان در قالب ها و عناوین سنتی انعطاف ایجاد کرد. چالش نجس بودن عضو حیوانی را می توان از طریق سازوکار استحاله حلّ و فصل نمود. در واقع، چنان چه عضو حیوانی به انسان پیوند داده شود و پیوند مزبور از طرف بدن انسان «پس زده» نشود، از زمان پذیرش عضو حیوانی پیوندزده شده، عضو مذکور جزئی از بدن انسان محسوب می شود. به تعبیری، عضو حیوانی پیوند زده شده، به رفع نیازهای بدن انسان می پردازد و کارکردی مشابه عضو انسانی پیدا می کند. از طرفی، عضو حیوانی پیوند زده شده، در ارتباط با سیستم خونی و عصبی بدن انسان قرار می گیرد و در نتیجه، برای انسان از طریق آن احساس و درک ایجاد می شود؛ از همین رو می توان چنین بیان داشت که «عضو حیوانی پیوند زده شده»، در حکم «عضو انسانی»، محسوب می شود. به تعبیر دیگر، علیرغم این که عنوان این دو از نظر فنی و تکنیکی متفاوت است اما آثار و وضعیت کارکرد آنها مانند یکدیگر می باشد. در نتیجه، با توسّل به این استدلال، چالش «تفاوت عناوین» حلّ و فصل می شود.

نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن توجه داشته باشیم، این است که جواز مشروعیت فرایند پیوند عضو حیوان به انسان، در سایه اصول مهمی همچون اصل صحّت، قاعده لاضرر و اصل وجود حفظ نفس و درمان، قابل توجیه است. در فضای فقه، نصّی مبنی بر ممنوعیت پیوند عضو حیوان به انسان وجود ندارد و مطابق با قواعد مذکور نیز هر کس مکلف است از ورود ضرر به خود جلوگیری نماید و در جهت درمان نارسایی ها و بیماری های خود بکوشد. نقص در هر یک از اعضای بدن انسان نیز مصداق بارزی از بیماری، و فرایند پیوند عضو نیز مصداق بارزی از فرآیند درمانی محسوب می شود.



## منابع

- الوانی جامی، سپیده؛ خوافی، سعید (۱۳۹۶)، **بررسی قابلیت مطالبه دیه عضو پیوندی از حیوان به انسان**، وکیل مدافع، ۱۶، ۱۱۵-۱۳۱.
- حاتمی، صدیقه؛ امینی، راضیه (۱۳۹۶)، **پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقه و حقوق پزشکی**، دین و سلامت، ۱، ۶۱-۶۹.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- دفتر تبلیغات اسلامی (شعبه خراسان رضوی) (۱۳۸۸)، **مسائل مستحدثه پزشکی: شبیه سازی، نشانه های مرگ و زندگی، یائسگی و ...**، قم: بوستان کتاب.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۳ق)، **الإنصاف فی مسائل دام فیها الخالف**، ج ۲، ۳، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۲)، **الخصال**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ضغمی، مریم؛ پوربهاءالدینی زرنندی، نرجس؛ امینی زاده، نرجس (۱۳۹۱)، **ملاحظات اخلاقی مربوط به پیوند عضو از حیوان به انسان**، فصلنامه اخلاق پزشکی، ۲۱، ۶۵-۸۰.
- عباسی، محمود (۱۳۸۳)، **حقوق پزشکی (پیوند اعضا)**، ج ۶، تهران: حقوقی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لاریجانی، باقر (۱۳۸۲)، **پیوند اعضا (مباحث علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی)**، تهران: برای فردا.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار**، ج ۵، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرادی، یوسف؛ کیخا، محمدرضا؛ خاکپور، حسین (۱۳۹۵)، **بررسی پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان از نظر فقه امامیه**، فقه پزشکی، ۲۸ و ۲۹، ۱۶۱-۱۸۷.
- مسجدسرائی، حمید؛ نظری، اعظم (۱۳۹۸)، **حکم پیوند عضو قطع شده پس از اجرای حدّ سرقت**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۰، ۳۵۱-۳۷۲.
- میرهاشمی، سرور (۱۳۸۵)، **مبانی مشروعیت پیوند اعضا**، فقه و حقوق خانواده، ۴۴، ۹۰-۱۱۱.

- وکیلی نژاد، مولودالسادات؛ قربان نژاد، فاطمه؛ تابعی، سید ضیاءالدین؛ محمودیان، فرزاد (۱۳۸۷)،  
ملاحظات اخلاقی و اجتماعی در تکنولوژی پیوند عضو از حیوان به انسان، اخلاق و تاریخ  
پزشکی، ۱، ۴۰-۳۱.

- Lee, Jun-Heon, Moran, Chris (2001), **Current status of xenotransplantation- a review**, Asian-Australasian Journal of Animal Sciences, 14, 1497-1504.
- Purdy, Laura (2000), **should we add “Xeno” to “Transplantation”?** Cambridge: Cambridge University Press.
- Samdani, T. Chao, E. Greenstein, MS. (2010). **Xenotransplantation. The HON code principles of the Health on the Net Foundation**, Web. Feb 26, 2011. Available from:  
URL:<http://emedicine.medscape.com/article/432418-overview>
- Cooper, Davi (2008), **Franken swine, or bringing home the bacon.** Organogenesis Forum, 4, 1-10.

